

شیوه‌ای نو در مدخل‌شناسی

محمد کریمی

چکیده

از نخستین نیازهای نگارش دائرة المعارف، شناسایی مدخل‌های آن است. شیوه انتخاب مدخل‌ها و دسته‌بندی آنها نقش مؤثری در ساختار دائرة المعارف دارد. مرکز پژوهشی دائرة المعارف علوم عقلی اسلامی، بر خلاف دائرة المعارف‌های دیگر، برای مدخل‌گزینی شیوه‌ای جدید برگزیده است. این شیوه هرچند زمانی طولانی می‌طلبد، محصول آن کاری بنیادی و ماندنی خواهد بود. در این شیوه با استفاده از اصطلاح‌نامه هر یک از علوم، مدخل‌ها شناسایی شده، سپس در یک دسته‌بندی کلی به دو مقام «تحقیق» و «عرضه» تقسیم می‌شود. در این مقاله، ویژگی‌های هر مقام تبیین شده است.

واژه‌های کلیدی

مدخل، اصطلاح‌نامه، دائرة المعارف، روابط اصطلاح‌نامه‌ای، رابطه سلسله مراتبی، رابطه ترادف، رابطه وابستگی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

رشد و توسعه علوم، بشر را به انتخاب روش های نوین برای انتقال معارف و ارائه دانش های بشری ناگزیر کرده است. عدم امکان دستیابی به تمام علوم بشری، گزینش و تنقیح در ارائه معارف را ضروری ساخته است. یکی از روش هایی که امروزه بیش از گذشته برای ارائه مطالب و دستاوردهای بشری از آن بهره می گیرند، دائرةالمعارف و دانش نامه نویسی است. گسترش فرهنگ دائرةالمعارف نویسی پاسخی به نیاز امروز بشر برای دستیابی سریع، آسان و فراگیر همراه با اختصار است.

تمایل به آشنایی با معارف عقلی اسلامی در میان محققان و اندیشمندان اسلامی و غیر اسلامی، و فقدان مجموعه ای منسجم و گویا، زمینه ساز نگارش دائرةالمعارف علوم عقلی اسلامی شده است.

دائرةالمعارف ها انواع مختلفی دارند: برخی عمومی، برای استفاده همگان؛ و برخی تخصصی، برای استفاده محققان و اندیشمندان. از نظر قلمرو، برخی از دائرةالمعارف ها عام، و شامل همه معارف بشری می شوند، و برخی خاص، و به یک یا چند حوزه از علوم مرتبط اند. امروزه به سبب حجم گسترده اطلاعات و تخصصی شدن علوم، دائرةالمعارف نویسی تخصصی رو به افزایش است. دائرةالمعارف علوم عقلی اسلامی عهده دار جمع آوری، تنظیم و ارائه بی طرفانه دستاوردهای علمی دانشمندان اسلامی در زمینه علوم عقلی اسلامی (منطق، فلسفه، کلام و عرفان) به محققان و اندیشه وران است.

دائرةالمعارف، ارائه کننده نظام مند مطالب ذیل مدخل های اصلی است. از این روی، شناسایی مدخل اصلی، که عنوان و محور مباحث مقالات است و تنظیم آنها، از نخستین نیازهای دائرةالمعارف خواهد بود. جامع و مانع بودن و دقت در گزینش و تعیین جایگاه مدخل ها، از نشانه های دائرةالمعارف مطلوب و معتبر است. عناوین و مدخل های مقالات، نشان دهنده دقیق و جامع بودن دائرةالمعارف در حوزه تخصصی خود است. عناوین مقالات باید چنان انتخاب شود که افزون بر تأمین نیازهای فوق، محتوای علمی آن گرایش را نیز به درستی نشان دهد.

مراکز دائرةالمعارفی همچنین وظیفه دارند مدخل هایی را که در آن حوزه اهمیت داشته، اندیشمندان آن علم به آنها بیشتر اهتمام می ورزند و محققان به آن مراجعه بیشتری دارند، از مدخل های دیگر شناسایی و گزینش کرده، هر یک را در مرتبه خود قرار دهند. شناسایی و تنظیم مدخل های دائرةالمعارف بر عهده گروه مدخل شناسی در مرکز دائرةالمعارف علوم

عقلی اسلامی است.

انواع مدخل‌ها در دائرةالمعارف

در دائرةالمعارف‌ها غالباً از دو گونه مدخل اصلی و ارجاعی استفاده می‌شود. (حسینی، شیوه‌نامه دائرةالمعارف امام حسین علیه السلام، ص ۴۲) ۱. مدخل اصلی، اصطلاحی است که مقاله ذیل آن درج می‌شود؛ ۲. مدخل ارجاعی به اصطلاحی گفته می‌شود که در متن دائرةالمعارف به مدخل دیگری ارجاع می‌شود. مدخل‌های مترادفِ مدخل اصلی و مدخل‌هایی که مباحث آنها به مدخل اصلی مرتبط اند و ذیل آن بحث می‌شوند، مدخل‌های ارجاعی هستند.

در دائرةالمعارف علوم عقلی اسلامی، مدخل‌ها به صورت کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف) مدخل‌های مقام تحقیق و نگارش؛ ب) مدخل‌های مقام عرضه.

مدخل‌های مقام تحقیق و نگارش

مدخل‌های دائرةالمعارف، در مقام تحقیق و نگارش، ارائه کننده موضوع و قلمرو کار مقاله نویسانند و به چهار دسته اصلی، ضمنی، مترادف و نمایه تقسیم می‌شوند. مدخل اصلی: اصطلاحی است که در رشته خود مفهوم، ویژگی و احکام مهم و قابل توجه و مورد مراجعه‌ای داشته باشد؛ به گونه‌ای که مطالب مربوط به آن باید به صورت مستقل از مطالب مربوط به مدخل‌های دیگر مورد بحث قرار گیرد و معمولاً برای آشنایان یک علم مورد توجه و جست‌وجوی استقلالی است.

برخی معیارهای مدخل اصلی از این قرارند:

۱. مدخل‌هایی که در یک علم فصل، باب یا بخش خاصی از منابع را به صورت مستقل به خود

اختصاص دهد؛

۲. اصطلاحی که اهمیت خاصی داشته، معنای اصطلاحی آن مورد توجه خاص باشد، و یا

تأثیرگذاری ویژه و احکام و ویژگی‌های خاصی داشته باشد؛

۳. عنوانی که در یک یا چند رشته از علوم عقلی اشتراک لفظی داشته باشد، یا خلط معنای اصطلاحی آن، در علوم عقلی با غیر علوم عقلی امکان داشته باشد.

در مدخل اصلی این نکات باید رعایت شود:

۱. مدخل اصلی باید آیینه موضوع خود باشد؛ به گونه‌ای که خواننده با دیدن مدخل به مطالب

مقاله رهنمون شود؛

۲. مدخل اصلی باید از میان اصطلاحات رایج و مشهور علم گرفته شود؛

۳. از آنجا که اصل در دائرةالمعارف‌ها تفکیک مباحث است، مطالب هر مدخلی در صورت امکان باید ذیل عنوان خود مطرح شود تا پژوهشگر به راحتی به مطالب مورد نیاز دست یابد. بنابراین، اصل در مدخل‌های اصلی، جزئی و خاص است، مگر آنکه مدخلی شرایط مقاله مستقل را نداشته باشد. (ر.ک: همان، ص ۴۰ به بعد)

مدخل مترادف: اصطلاحی است که با مدخل اصلی هم‌معنا و مترادف باشد و اصطلاح آن، مشهور و مورد مراجعه باشد. در بین اصطلاحات مترادف، اصطلاح رایج‌تر و مشهورتر مرجح است و عنوان مقاله قرار می‌گیرد، و اصطلاح‌های مترادف دیگر به آن ارجاع می‌شود.

مدخل ضمنی: اصطلاحی است که مباحث مربوط به آن، تابعی از اصطلاح دیگر است و به یک یا چند مدخل دیگر چنان وابستگی دارد که جدا کردن مطالب مربوط آن از مدخل دیگر درست نیست. به عبارت دیگر، اصطلاحی که در علوم عقلی مفهوم و مطلب قابل توجهی دارد، اما هیچ‌گاه مستقل از اصطلاح دیگری که مدخل اصلی قرار گرفته است به کار نمی‌رود، مدخل ضمنی خواهد بود. اصطلاحات ناظر به اقسام، احکام و قواعد مربوط به یک مدخل اصلی در صورتی که ویژگی‌های مدخل اصلی را نداشته باشند، ضمنی خواهند بود.

مدخل نمایه: اصطلاحی است که هیچ یک از ویژگی‌های مدخل‌های اصلی، مترادف ضمنی و را ندارد، اما احتمال دارد به جهت مورد مراجعه محققان قرار گیرد. اصطلاحات مرتبط با مدخل‌های اصلی یا ضمنی که در متن مقالات فرهنگ‌نامه به کار رفته‌اند و ویژگی مدخل‌های اصلی، ضمنی و مترادف را ندارند و اصطلاحاتی که با مدخل‌های اصلی یا ضمنی مترادف‌اند، اما مورد توجه مستقل و مراجعه مستقیم محققان نیستند، نمایه قرار می‌گیرند.

این تفکیک در مقام نگارش، برای آن است که مدخل‌هایی که ذیل آن مقاله عرضه می‌شوند و مدخل‌هایی که ذیل مقاله باید مورد توجه ویژه باشند و مدخل‌هایی که چنین اهمیتی ندارند، شناسایی و به مقاله نویسنده نشان داده شوند تا او بداند که در مقاله به چه مباحثی بپردازد و چقدر به آن اهمیت دهد.

در تعیین نوع مدخل، به جایگاه آن مدخل در علم مربوط توجه می‌شود، و چنانچه جایگاهی ممتاز و برجسته داشته، از معیارهای مدخل اصلی برخوردار باشد و بتوان برای آن یک مقاله

۱. برخی دائرةالمعارف‌ها این نوع مدخل را «فرضی» نامیده‌اند؛ مثلاً نک: دانشنامه جهان اسلام، اصول و ضوابط مدخل‌گزینی، ص ۱۷.

تحقیقی ارائه کرد، مدخل اصلی قرار می‌گیرد. در غیر این صورت، با توجه به جایگاه آن در علم، در دائرةالمعارف عرضه می‌شود. این روش موجب می‌شود تا در نگارش مدخل‌های دائرةالمعارف یک علم، از بزرگ‌نمایی مباحث کم‌اهمیت و کوچک‌نمایی مباحث با اهمیت دوری شود و از ارزش‌گذاری‌های بی‌ضابطه اجتناب گردد.

در این مقام، لازم است به دو نوع مدخل دیگر در دائرةالمعارف علوم عقلی اسلامی اشاره کنیم: مدخل مشروط و مدخل محذوف.

مدخل مشروط: اصطلاح‌هایی که معنای دقیق یا روابط آنها به دست نیامده است یا مدخلی که در دائرةالمعارف نمی‌تواند مقاله داشته باشد و جایگاه بحث آن نیز روشن نیست، مشروط می‌شوند تا پس از بررسی‌های بیشتر و یافتن منابع دیگر، درباره آنها تصمیم‌گیری شود.

مدخل محذوف: برخی از اصطلاحات علوم، به عللی مورد مراجعه قرار نمی‌گیرند و اصطلاحات رایج و مترادفاتی دارند که پژوهشگران اغلب از طریق آنها به جست‌وجوی مطلب می‌پردازند. این اصطلاحات، مدخل دائرةالمعارفی قرار نمی‌گیرند و مدخل محذوف قرار می‌گیرند؛ مانند حالت جمع برخی از اصطلاحات.

مدخل‌های مقام عرضه

مدخل‌های در مقام عرضه دائرةالمعارف، همان مدخل‌های مقام تحقیق و نگارش‌اند، که به سه دسته تقسیم می‌شود: مدخل اصلی، ارجاعی و نمایه.

مدخل اصلی: اصطلاحی است که به صورت مستقل در رأس قرار می‌گیرد و همه مطالب مربوط به آن، ذیل آن آورده می‌شود. این مدخل‌ها همان مدخل‌های اصلی مقام تحقیق‌اند.

مدخل ارجاعی: مدخلی است که در متن دائرةالمعارف عنوان مستقلی دارد، اما همه یا بخشی از مطالب مربوط به آن ذیل مدخل دیگری آمده است. مدخل‌های ضمنی و مترادف در مقام تحقیق مدخل ارجاعی هستند. این نوع مدخل‌ها شهرت کمتر و اهمیت درجه دو دارند.

مدخل نمایه: اصطلاحی است که در متن دائرةالمعارف عنوان مستقلی ندارد و به صورت مستقل مطرح نمی‌شود؛ بلکه در ضمن مقالات از آن نامی برده شده است. این گونه مدخل‌ها در آخر دائرةالمعارف همراه با آدرس ذکر خواهند شد.

در برخی از دائرةالمعارف‌ها دو نوع مدخل دیگر به نام مستقیم و معکوس نام برده شده است (ر.ک: حسینی (زرفا)، شبهه‌نامه دائرةالمعارف امام حسین علیه السلام، ۴۴) مراد از مدخل مستقیم مدخلی است که

چگونگی خواندنش با ترتیب نگارشی آن یکسان است؛ یعنی همان گونه که چیده می شود خوانده می شود؛ مانند قضیه حملیه. مدخل معکوس مدخلی است که به عکس چینش خوانده می شود؛ مانند حملیه، قضیه.

در دائرةالمعارف علوم عقلی اسلامی این تفکیک بین مدخل ها صورت نگرفته است. بعدها خواهیم گفت که مدخل های دائرةالمعارف از طریق اصطلاح نامه گزینش می شوند. در اصطلاح نامه همه مترادف های یک اصطلاح گرد می آیند. هر اصطلاحی که به گونه ای به این معنا اشاره دارد، هر چند شهرت و رواج نداشته باشد، ذکر می شود. در هنگام گزینش مدخل ها همه این اصطلاحات هم معنا بررسی شوند. از میان این مدخل ها، یکی که مشهورتر و رایج تر است و مرجع قرار گرفته مدخل اصلی قرار می گیرد، و بقیه مترادف ها اگر احتمال مراجعه از طریق آنها باشد به نوعی در دائرةالمعارف منعکس شده، به مدخل اصلی مرجع ارجاع داده می شوند. مدخل های معکوس اگر اصطلاح باشند یکی از مترادف های مدخل اصلی خواهند بود و اگر احتمال مراجعه از طریق آنها وجود داشته باشد، در دائرةالمعارف منعکس می شوند. بنابراین به تفکیک این نوع مدخل ها در دائرةالمعارف نیازی نیست.

شیوه گزینش مدخل های دائرةالمعارفی

نکاتی که در گزینش مدخل های دائرةالمعارف باید رعایت شوند، عبارت اند از:

۱. مدخل های گزینش شده باید جامع و مانع باشند. جامعیت مدخل ها یعنی دائرةالمعارف، تمام مدخل هایی را که به این حوزه مرتبط اند، اعم از اصلی و غیر اصلی شناسایی کند. مانعیت مدخل ها نیز یعنی مدخل هایی که به حوزه دیگر وابسته اند و در قلمرو موضوعی دائرةالمعارف نیستند، در مجموعه مدخل های دائرةالمعارف وجود نداشته باشد؛

۲. افزون بر جامع و مانع بودن مدخل ها، محتوای مقالات نیز باید جامع و مانع باشد. مدخل های مقالات باید به گونه ای گزینش شود که اولاً، مقالات دائرةالمعارف یکدیگر را تکمیل کنند و در آن حوزه علمی مباحث مهمی وجود نداشته باشد، مگر آنکه در یکی از مقالات به آن پرداخته شده باشد؛ و ثانیاً، مقالات به گونه ای باشند که تمام مباحث مرتبط به موضوع را در خود جای دهند. ثالثاً، از تکرار مباحثی که ارتباط آنها با مدخل های دیگر بیشتر است و ذیل آنها بحث می شوند جلوگیری شود؛

۳. مسئله دیگر، سیستم ارجاعات است. مدخل های ارجاعی باید به مناسب ترین مدخل اصلی

ارجاع شوند. ارجاع به مدخل دیگر، به این معناست که در مقاله مبدأ باید به مباحث مدخل‌های ارجاعی پرداخته شود. بنابراین، برای همگونی محتوای مقاله باید بین مدخل اصلی و ارجاعی هماهنگی وجود داشته باشد.

این نکات نشان می‌دهند در جمع‌آوری مدخل‌ها و گزینش مدخل‌های اصلی باید روشی را برگزید که جواب‌گوی این نیازها بوده، کمترین مشکل را در پی داشته باشد. دایرة‌المعارف‌ها برای جمع‌آوری و گزینش مدخل‌های خود معمولاً به کارهای مشابه و دایرة‌المعارف‌های دیگر، و نیز به برخی از کتاب‌های حوزه مرتبط و نمایه‌های آخر آن کتاب‌ها مراجعه می‌کنند (حسینی (زرفا)، شبه‌نامه دایرة‌المعارف امام حسین ع، ۱۷) در این شیوه، گرچه بیشتر مدخل‌های مشهور به دست می‌آید و مدخل‌هایی که صلاحیت مقاله شدن دارند، شناسایی می‌شود، جست‌وجو به این شیوه به ویژه برای دایرة‌المعارف تخصصی تام و تمام نیست؛ زیرا در این روش فقط مدخل‌های مشهور به دست می‌آید و برای دایرة‌المعارف‌های خاص و تخصصی که در صدد جمع‌آوری تمام مطالب مربوط به آن تخصص است، کافی نیست. این روش پاسخ‌گوی نیازهای دیگر، مانند سیستم ارجاعی نیست.

دایرة‌المعارف علوم عقلی اسلامی، روش دیگری را برای دست‌یابی به مدخل‌ها برگزیده است، و آن انتخاب مدخل با استفاده از اصطلاح‌نامه هر یک از علوم است. برای آگاهی دقیق از این روش ابتدا به معرفی اصطلاح‌نامه می‌پردازیم.

اصطلاح‌نامه

از جمله وظایف دانش اطلاع‌رسانی، ارائه اطلاعات ذخیره شده است. ارائه اطلاعات به گونه‌های مختلفی امکان‌پذیر است، اما سریع‌ترین و دقیق‌ترین آنها استفاده از زبان کنترل شده در نمایه‌سازی است. در این نوع نمایه‌سازی، از اصطلاح‌نامه استفاده می‌شود. اصطلاح‌نامه «مجموعه‌ای از واژه‌ها و عبارات [در یک زمینه خاص موضوعی] است که روابط سلسله مراتبی، مترادفات، وابستگی‌ها و دیگر روابط بین مفاهیم را ارائه می‌کند و هدف آن، ایجاد واژگانی استاندارد برای ذخیره و بازیابی اطلاعات است». (اصطلاح‌نامه فرمتگی فارسی (اصفا)، ۱۲/۱) «اصطلاح‌نامه، مجموعه اصطلاحات استاندارد شده در یک حوزه معرفتی است که فهرستی از واژه‌های کلیدی و کاربردی آن حوزه را ارائه می‌دهد و روابط سلسله مراتبی، ترادف و وابستگی بین مفاهیم را به نمایش می‌گذارد، و از نظر ساختاری، گنجینه واژگان کنترل شده و سازمان یافته از مباحث خاص دانش

بشری است؛ به عبارت دیگر اصطلاح‌نامه، کلید واژه‌های نظام‌دار و فشرده‌ترین صورت چکیده‌های خلاصه شده است که در مواردی جای کتاب را گرفته و نشان‌دهنده حداکثر اطلاعات با حداقل کلمات و عبارات است و به عنوان بهترین وسیله جهت ذخیره و بازیابی اطلاعات آن حوزه به کار می‌رود. عناصر تشکیل دهنده اصطلاح‌نامه مدخل‌ها و واژه‌هایی هستند که تبلور اطلاعات و یا در برگیرنده مسائل متن و مدرک مورد نظرند». (مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی «پژوهشگاه»، اصطلاح‌نامه منطقی، ۱۳) هدف اصطلاح‌نامه نشان دادن مجموعه اصطلاحات یک علم با ساختاری منطقی و نظام‌مند است، و روابط معنایی میان اصطلاحات را به گونه‌ای منطقی و واقعی که جدای از هر متن و مدرکی به قوت خود باقی است، نمایش می‌دهد. اصطلاح‌نامه دربردارنده مجموعه روابطی است که نشان‌دهنده ساختار کلی علم و نمایی از مباحث آن است. روابط اصطلاح‌نامه عبارت است از:

الف) رابطه مترادف: برخی از اصطلاحات یک علم دارای یک معنا و مفهوم است که اصطلاحاً به آنها مترادف می‌گویند. در یک علم ممکن است دو یا چند اصطلاح معنایی واحد داشته باشند. در نظام اصطلاح‌نامه برای یکسان‌سازی و هماهنگی در ارجاعات یکی از الفاظ را ترجیح داده، بقیه را به آن ارجاع می‌دهند. در ساختار اصطلاح‌نامه غالباً واژه‌های مفرد، تشبیه و جمع نیز با این نوع رابطه نشان داده می‌شود. شهرت، گویایی و روانی، از شاخصه‌های اصطلاح مرجع است. در اصطلاح‌نامه روابط اصطلاح‌های مترادف با اصطلاحات دیگر در ذیل اصطلاح مرجع ذکر می‌شود و اصطلاحات نامرجع به اصطلاح مرجع ارجاع داده می‌شود.

ب) رابطه سلسله مراتبی: اصطلاحاتی که این نوع رابطه را دارند، نوعی از عموم و خصوص در آنها به چشم می‌خورد. این رابطه شامل رابطه کلی و جزئی، و کل و جزء می‌شود. در حقیقت این رابطه دربردارنده دو نوع تقسیم منطقی و طبیعی است. رابطه موردی (مفهوم و مصداق) به سبب آنکه نوعی از عموم و خصوص در آن دیده می‌شود نیز از نوع سلسله مراتبی به شمار می‌آید.

ج) رابطه وابستگی: اگر میان دو اصطلاح، نوعی ارتباط دیده شود که نتوان آن را از نوع رابطه مترادف یا سلسله مراتبی دانست، رابطه وابستگی میان آنها برقرار می‌سازند. اصطلاحاتی که تداعی معانی و پیوند ذهنی دارند مانند بیشتر قسیم‌ها، رابطه وابستگی دارند. همچنین اصطلاحاتی که ارتباط بحثی دارند - به گونه‌ای که هرگاه به یکی از آنها پرداخته شود از دیگری نیز یاد می‌شود و یا دارای جایگاه بحثی واحد هستند - نیز رابطه وابستگی دارند.

د) یادداشت دامنه: به منظور ابهام‌زدایی و اطلاع‌رسانی بیشتر برای برخی اصطلاحات، از یادداشت دامنه استفاده می‌شود. از یادداشت دامنه می‌توان برای تعیین حدود مفهومی، تاریخ پذیرفته شدن اصطلاح و... استفاده کرد (درک آوستین و پتر دیل، راهنمای تهیه و گسترش اصطلاح‌نامه یک زبان، ۲۶).

ویژگی اصطلاح‌نامه مرکز

نقش مهم و تأثیرگذار اصطلاح‌نامه در گزینش مدخل‌ها، تهیه و تنظیم ساختار اصطلاح‌نامه را در دستور کار دائرةالمعارف قرار داد. اصطلاح‌نامه‌های مرکز در حد امکان قواعد حاکم بر اصطلاح‌نامه را رعایت کرده‌اند، ولی به جهت هدف پیش‌بینی شده آن، ویژگی‌هایی دارند، از جمله:

۱. در اصطلاح‌نامه‌های رایج به جای رابطه‌ترادف، از رابطه‌هم‌ارزی استفاده شده است که شامل اصطلاحات مترادف و شبه مترادف می‌شود. «شبه مترادف‌ها اصطلاحاتی هستند که معنای آنها عموماً در تداول عام متفاوت تلقی می‌شود، ولی برای هدف‌های نمایه‌سازی، بعنوان مترادف به کار می‌رود. این اصطلاحات غالباً تقاطعی در یک تداوم را نشان می‌دهند» (همان). در اصطلاح‌نامه مرکز، شبه مترادف‌ها در رابطه وابستگی آمده‌اند؛

۲. در اصطلاح‌نامه‌ها کلماتی با پیشوند اقسام، اجزا، شرایط، احکام و... که شکل نمایه‌ای دارند، اصطلاح تلقی می‌شوند؛ ولی در اصطلاح‌نامه مرکز، این کلمات اصطلاح به شمار نیامده و در اصطلاح‌نامه ذکر نشده‌اند؛

۳. در اصطلاح‌نامه مرکز سعی شده به تمام کتب معتبر علوم مربوط رجوع شود و با فحص و استقرای دقیق همه اصطلاحات همراه با تعاریف آنها استخراج شود و از دائرةالمعارف‌ها و فرهنگ‌نامه به منزله ابزاری برای رجوع به کتاب استفاده شده است.

گزینش مدخل از طریق اصطلاح‌نامه و مزایای آن

هدف از نگارش اصطلاح‌نامه در مرکز دائرةالمعارف، شناسایی مدخل‌های دائرةالمعارف و فرهنگ‌نامه است. در این مرکز ابتدا اصطلاحات علوم را از کتاب‌های معتبر و مهم علوم عقلی اسلامی استخراج می‌کنند. پس از تدوین روابط اصطلاح‌نامه، مدخل‌های اصلی و غیر اصلی از میان این اصطلاحات استخراج می‌شود. این روش مزایایی دارد؛ از جمله:

۱. اصطلاح‌نامه که دارای زبان کنترل شده و مقید است، بهترین روش برای شناسایی مدخل‌های یک علم به شمار می‌آید؛ زیرا تمام اصطلاحات به کار رفته در یک حوزه معرفتی را در بر می‌گیرد.

شناسایی مدخل از این طریق جامعیت مدخل‌ها را تضمین خواهد کرد؛

۲. اصطلاح‌نامه صرفاً شامل اصطلاحاتی است که در یک علم جایگاهی دارند. بنابراین، اصطلاحاتی که به حوزه‌های معرفتی دیگر مربوط است و با این علم ارتباطی ندارد، جزو اصطلاح‌نامه قرار نمی‌گیرد. در این صورت، اصطلاح‌نامه می‌تواند مانع بودن مدخل‌ها را تضمین کند؛

۳. چنانچه اصطلاحی در یک علم مطالب و محتوایی در حد یک مقاله ندارد و نپرداختن به آن نقص به شمار آید، در ذیل مقاله‌ای دیگر که مرتبط به این موضوع است به آن پرداخته می‌شود. از آنجا که ساختار اصطلاح‌نامه انواع روابط یک اصطلاح را نشان می‌دهد، می‌توان مناسب‌ترین رابطه برای سیستم ارجاعی این مدخل‌ها را برگزید؛

۴. از آنجا که همه اصطلاحات در ساختار اصطلاح‌نامه گرد آمده است، انتخاب مدخل از طریق اصطلاح‌نامه دقیق‌تر خواهد بود. وقتی همه اصطلاحات یک علم پیش‌روی گزینش‌گر خبره قرار می‌گیرد، وی با مقایسه اصطلاحات مرتبط، آن دسته از اصطلاحاتی را که دارای معیارهای مقاله دائرةالمعارفی است، با دقت بیشتری برمی‌گزیند و نیز قلمرو موضوعی آن را مشخص می‌سازد؛

۵. برخی از اصطلاحات علم در حد یک مقاله مطلب ندارند، اما اگر با مدخل دیگری که هماهنگ با آن است ترکیب شود، در حد یک مقاله خواهد بود. با استفاده از اصطلاح‌نامه می‌توان این گونه اصطلاحات را شناسایی کرد؛

۶. ساختار اصطلاح‌نامه نشان می‌دهد که در میان اصطلاحات مترادف، کدام اصطلاح مرجع است تا عنوان مقاله قرار گرفته، اصطلاحات دیگر به آن ارجاع شود؛

۷. اصطلاح‌نامه قسمتی از محتوای مقاله را به شکل دقیق و جامع ارائه می‌دهد. نام‌های دیگر، اقسام، و اعم‌های مدخل از این نوع اند؛

۸. برخی از اصطلاحات علوم مشترک لفظی‌اند. شناسایی مشترکات لفظی در علوم، اهمیت خاصی دارد. یکی از مغالطه‌های رایج، کاریست مشترک‌های لفظی به جای یکدیگر است. اصطلاح‌نامه به شناسایی مشترکات لفظی - که یکی از معیارهای مدخل اصلی است - کمک می‌کند؛

۹. یکی از مشکلات در مقالات، ورود به مباحث مقالات دیگر است. اگر مدخل‌هایی که احتمال تکرار مطالب در آنها وجود دارد، شناسایی شوند، و به مقاله نویس تذکر داده شود، می‌توان تا حدی

از این مشکل جلوگیری کرد. ساختار اصطلاح‌نامه، به شناسایی این گونه مدخل‌ها کمک می‌کند؛ زیرا ارتباط این گونه مدخل‌ها یکی روابط ساختار اصطلاح‌نامه است و با رجوع به ساختار اصطلاح‌نامه می‌توان مدخل‌های اصلی‌ای را که با مدخل اصلی دیگر مرتبط‌اند، شناسایی کرد؛
۱۰. تعیین دقیق حدود مقالات، افزون بر مقاله‌نویسی، برای تشکیل پرونده علمی نیز مفید است.

گفتنی است که استفاده از اصطلاح‌نامه، به این معنا نیست که تمام اصطلاح‌های یک علم مدخل دائرةالمعارفی‌اند. تمام مدخل‌های دائرةالمعارفی یک علم، اصطلاح آن علم‌اند؛ اما ممکن است اصطلاحاتی مانند برخی از جمع‌ها و تشبیه‌ها، مدخل دائرةالمعارفی نباشند.

منابع اصطلاحات علوم عقلی اسلامی

اصطلاحات، از منابع درجه یک و بخشی از منابع درجه دو در هر یک از رشته علمی استخراج می‌شود. در مرکز پژوهشی دائرةالمعارف علوم عقلی اسلامی، برای درجه بندی منابع، شیوه‌نامه‌ای تدوین شده که بر اساس آن، منابع به چهار دسته درجه بندی شده‌اند و برای هر یک از آنها تعریف و معیارهایی ارائه شده است. منابع درجه یک، آثار برجسته، ممتاز و مهم در رشته‌های علوم عقلی اسلامی‌اند. از جمله معیارهای منابع درجه یک به این مورد می‌توان اشاره کرد: آثار صاحبان مکتب و مشرب در علوم عقلی اسلامی، به استثنای آثاری از آنها که برجستگی خاصی نداشته باشند؛ آثار شارحان و ناقدان مشهور و تأثیرگذار در علوم عقلی اسلامی، مگر آثاری که برجستگی خاصی نداشته باشند. آثار نخستین هر یک از رشته‌های علوم عقلی اسلامی و آثار مهم و برجسته علوم عقلی اسلامی از صاحب‌نظران در آن رشته‌ها یا در مکاتب و فرقه‌های آن علوم، در صورتی که نوآوری‌هایی داشته باشند.

از منابع درجه دوم، آثاری انتخاب شده است که از جهت گردآوری آرا و اقوال بزرگان علوم عقلی اسلامی یا آدرس دهی به منابع فراوان یا دسته‌بندی مباحث و توجه به زوایای مختلف بحث و تشریح مطالب، برجستگی خاصی داشته باشند.

کتاب‌های فوق‌پس از شناسایی و تأیید صاحب‌نظران به محققان واگذار می‌شوند و آنها از این منابع، چهار دسته از اطلاعات را استخراج می‌کنند:

۱. اصطلاحات: مراد از اصطلاح، کلماتی‌اند که در آنها معنای خاصی یافت و مباحثی بر محور آنها مطرح می‌شود. محققان تمام اصطلاحاتی را که همراه با تعریف است استخراج می‌کنند. همچنین

اصطلاحاتی را که در منبعی به کار رفته‌اند اما تعریفی از آنها در آن منبع ارائه نشده است، نیز استخراج می‌کنند.

۲. عناوین: عناوین کلمات ترکیبی‌ای هستند که از یک اصطلاح و کلمه دیگر تشکیل شده‌اند و در مقالات می‌توانند محور مباحث قرار گیرند، مانند: احکام قضایا، شرایط شکل اول، خواص کم و...
 ۳. تعاریف: تعریف، عبارتی است که مفهوم و مقصود از یک اصطلاح را روشن سازد. بنابراین، «تعریف» به تعاریف ماهوی و حد تام اختصاص ندارد. تعاریف به دو دسته تقسیم می‌شوند: صریح و ضمنی. «تعاریف صریح» عباراتی هستند که به وسیله آنها مؤلف به صورت صریح و مستقیم در صدد ارائه تعریف یا تبیین مفهوم یک اصطلاح برآمده است. «تعاریف ضمنی» تعاریفی هستند که در ضمن تقسیم، با بیان تفاوت یک اصطلاح با اصطلاح دیگر یا ذکر ویژگی‌ها و اختصاصات و مشخصات و کاربردهای یک اصطلاح، مطرح شده‌اند و مؤلف با تمسک به این شیوه در صدد ارائه تعریف یک اصطلاح است. تعاریف استخراج شده، زمینه‌ساز تدوین فرهنگ‌نامه‌هایی برای هر یک از علوم عقلی شده است که در آن به تعاریف، روابط اصطلاح‌نامه‌ای و برخی از ویژگی‌ها و احکام کلی اصطلاح اشاره می‌شود. اصطلاحات همراه با تعاریف و روابط پیشنهادی به کمیته‌های علمی ارائه می‌شود.

۴. قواعد: مراد از قواعد، آن دسته از «اصول» هستند که به عنوان قاعده معروف شده‌اند، مانند قاعده فرعی؛ یا از جمله اصول عقلی به شمار آیند که به دلیل اهمیت یا داشتن فروعات یا ثمرات مهم، یا به جهت دیگری، در حدی هستند که به نظر محقق، کاربرد «قاعده» درباره آنها در عرف آن رشته بی‌جانمی نماید.

ارزیابی تخصصی اصطلاح‌نامه و مدخل‌ها

مرکز دائرةالمعارف علوم عقلی اسلامی با هدف ارتقای کیفی دستاوردهای خود، برای هر یک از موضوعات تخصصی، مشاورانی متخصص و صاحب‌نظر در هر یک از رشته‌های علوم عقلی اسلامی دارد، که در جلساتی با عنوان کمیته‌های تخصصی، از آنها در بررسی اصطلاحات و تنظیم اصطلاح‌نامه، تهیه نمودار درختی اصطلاحات و انتخاب مدخل‌ها کمک می‌گیرد.

اصطلاحات و روابط مصوب، افزون بر ارائه به صورت الفبایی، به صورت نموداری نیز ترسیم می‌شود. نمودارها نشان‌دهنده جایگاه اصطلاح در علم، همراه با اعم‌ها و اخص‌های با واسطه و بی‌واسطه آن هستند. در نمودار می‌توان قسیم‌های یک اصطلاح را نیز شناسایی کرد. در پاورقی هر

یک از نمودارها نام‌های غیر مشهور و نامرجع اصطلاحات نیز نشان داده می‌شود. آنچه در این نوشته به آن اشاره رفت، صرفاً ناظر به اصطلاحات علوم عقلی اسلامی است؛ اما برای انتخاب أعلام و فرَق، راه‌های دیگری برگزیده شده است که در جای دیگر بدان خواهیم پرداخت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی